

منش کارگزاران دولت اسلامی در مواجهه با قشر تولیدکنندگان و تجار برگرفته از آیات و روایات

چکیده

از اصلی‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران علوم اقتصادی چگونگی دخالت دولت در اقتصاد است. این امر در نظام اقتصادی اسلام با بیان‌های متعددی از امیرمومنان مورد بحث قرار گرفته است که اهمیت بررسی آن را دوچندان کرده است. این مقاله با بررسی آیات و روایات و بویژه با بررسی نهج البلاغه به ارائه منش کارگزاران در مواجهه با قشر تولیدکنندگان و تجار به عنوان یکی از اقشار مورد تاکید امیرمومنان در نامه مالک اشتر، می‌پردازد. این مقاله ابتدا با بیان تقسیم بندی قشرهای مختلف مردم در نهج البلاغه به بیان وظیفه همگانی دولت در مواجهه با این اقشار که به طور عموم قابل طرح است، پرداخته و در ادامه به بررسی وظایف اختصاصی دولت در مواجهه با قشر تولیدکنندگان و تجار می‌پردازد که ضمن بررسی ضرورت ورود دولت به امر تولید به بحث در مورد حیطه‌های ورود دولت در امر تولید می‌پردازد. در پایان این مقاله به یک سؤال مهم نیز پاسخ می‌دهد و آن این است که اگر تزاممی بین این اصول ذکر شده کارگزاران بوجود بیاید، این رفتار چگونه خواهد بود که این مقاله با توجه به برخی منابع فقهی به اهم و مهم ولی فقیه جامعه ارجاع داده است.

کلیدواژه: قشر تولیدکننده و تجار، نهج البلاغه، کارگزاران، اهم و مهم

The Character of the Agents of the Islamic State in Dealing with the Producers and Merchants Derived from Verses and Hadiths

Abstract:The government intervention in the economy is one of the main concerns of economic researchers. This has been discussed in reference to several statements by Imam Ali (pbuh) in the Islamic system economics which underscores the importance of examining it. The current paper addresses the character of agents in dealing with the producers and merchants as one of the social classes emphasized by Imam Ali (pbuh) in the letter to Malik Ashtar, in reference to the verses and hadiths and especially the study of Nahj al-Balaghah. The paper first addresses the social classes division in Nahj al-Balaghah to express the public duty of the government in dealing with each social class, and then examines the specific duties of the government in dealing with the producers and merchants, while discussing the necessity of the government involvement in production processes as well as the scope of the intervention. At the end, the paper answers an important question “how should the agents deal with the conflict between the principles mentioned?” The current paper refers to the Supreme Leader as the main body to resolve the conflicts in reference to some jurisprudential sources.

Keywords: Producer and Traders, Nahjul Balagha,

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران علوم اقتصادی، بررسی چرایی و چگونگی مداخله و مشارکت دولت در اقتصاد است، این چالش مهم که ذهن پژوهشگران از مکاتب مختلف را نیز درگیر نموده است، به حدی مورد اهمیت است که می‌توان گفت تفاوت اصلی مکاتب مختلف اقتصادی به این مسئله باز می‌گردد. (دادگر، ۱۳۸۰: صص ۲۳-۳۵)

نظام اقتصادی اسلام یک نظامی است که دارای مجموعه‌ای از اصول، فلسفه و روش تحلیل می‌باشد که زیربنای چارچوب تنظیم فعالیت‌های اقتصادی را تعیین کرده‌اند (منذر قحف، ۱۳۸۴: ۷) از این رو باید نقش نهادهای این نظام مشخص باشد تا بتواند به تنظیم اصول و چارچوب‌ها و نیز به منصف ظهور رساندن آنها تلاش کند. در همین زمینه دولت که به عنوان کارگزار اصلی دولت اسلامی در جامعه محسوب می‌شود، پایه و برنامه‌ریز اصلی همه فعالیت‌های مربوط به جامعه و اجتماع می‌باشد. طبق بیان امام علی (ع) بزرگترین حقی که خداوند قرار داده حق والی بر مردم و مردم بر والی است (خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه)

در نظام اقتصادی اسلام، دولت به عنوان نهادی که تنظیم‌گر، عدالت‌بخش و امنیت‌ده است در نظر گرفته می‌شود (حسن ارسنجانی، ۱۳۴۲: ۶۷-۶۸) لذا پرداختن به اصول اساسی برنامه‌ریزی دولت (یا به تعبیر دیگر رابطه دولت با شئون جامعه) از مهمترین ضروریات بررسی چگونگی دخالت دولت در نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. ما در این مقاله با بررسی آیات و روایات و با تاکید بر نامه‌های امام علی (ع) به برخی کارگزاران خویش به استخراج این اصول و مدون نمودن آن البته در حیطه تولید می‌پردازیم. آنچه مشخص است این است که امام علی (ع) در چارچوب این نامه‌ها، قوانین حکومت عدل اسلامی و اصول آن را بیان فرموده‌اند و واقعیت این است که تمام حکومت‌ها در تمام مکان‌ها و زمان‌ها، مخاطب این نامه هستند. (شیخ رباط، ۱۳۹۴: ۲۰)

۱-۱- دولت

مفهوم دولت آنقدر پیچیده و دشوار است که می‌توان اذعان داشت این مفهوم و حتی بررسی ماهیت آن هم سهل است و هم ممتنع (صدیق سروستانی، ۱۳۸۴: ۱۲) لذا اغلب اندیشمندان که به بررسی این نهاد و شیوه‌های دخالت و مشارکت این نهاد در بخش‌های اجتماعی پرداخته‌اند، ابتدا به تعریف این واژه از نگاه مکتب خود اقدام کرده‌اند. در تقسیم بندی‌های مرسوم دولت را به اشکال مختلفی تقسیم می‌کنند: گاهی از حیث قدرت قلمرو دخالت در اقتصاد آن را به سه دسته کلاسیک، کینزی و مارکسیستی تقسیم می‌کنند و گاهی هم بر حسب جانشینی و مکملی به چهار دسته بی تفاوت، متمرکز، برنامه‌ریز متمرکز و حداقل کلاسیکی تقسیم بندی می‌کنند. (فاطمی ابهری ۱۳۸۲) و در نهایت با توجه به این تقسیم بندی‌ها به تعریف این واژه پرداخته‌اند.

معمولا در علوم سیاسی، دولت به دو مفهوم اطلاق می شود: گاهی به مجموعه خاصی از (افراد و حاکمان) گفته می شود که در این معنا دولت مترادف با حکام و کسانی است که قانون را وضع، اعلام و اجرا می کنند؛ گاهی نیز دولت به مجموعه خاصی از (نهادهای برتر) اطلاق می شود که بایستوانه قدرت برتری که در اختیار دارند قوانین را اجرا می کنند. (رنی، ۱۳۷۴: ۱۳) در این جا هر دو مفهوم از دولت مدنظر است یعنی وظایف دولت در قانون گذاری و نیز وظایف دولت نسبت به اجرا البته با نگاه به تولید.

۱-۲- نظام اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی به یک مجموعه‌ی هماهنگی از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آنها، برخی وسائل فنی سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر، به منظور برقراری تعادل اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است، می گویند (لاژوی، ج ۱، ص ۱)، که به تعبیر دیگر نظام اقتصادی، عبارت است از مجموعه مرتبط و منظم عناصری که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرفی که برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می کنند (نمازی، ۱۳۷۴: ۱۲) در این مقاله مقصود از نظام اقتصادی اسلام نظر شهید صدر می باشد که نظام اقتصاد اسلامی را مذهب اقتصادی می داند و در تعریف مذهب اقتصادی بیان می دارند که مذهب اقتصادی، مشتمل بر قواعد اساسی است که در زندگی اقتصادی، به دیدگاه عدالت اجتماعی مرتبط می شود.

۱-۳- وظیفه همگانی دولت:

از آنجائی که دولت زعیم همه مردم است^۱ لذا وظایفی نسبت به همه مردم دارد که باید آنها را رعایت کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳) این اصول در واقع اصول کلی برنامه های دولت می باشد و سیر کلی برنامه های دیگر به این اصول اولیه باز می گردد از همین رو می توان گفت که مالیات دهندگان از آنجایی که همه مردم هستند (اعم از کارمند و تاجر و اهل جزیه) نیز در این قسمت جای می گیرند (مِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَّةِ وَالْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ)

۱-۴- وظیفه اختصاصی متناسب با اقشار مختلف دولت:

اما اگر جزئی تر بنگریم دولت در سه دسته مختلف وظایف متفاوتی دارد و هر دسته اصول خاص خود را می طلبد که باید بر اساس آن اصول برنامه ریزی انجام گیرد. لازم به تاکید است که این اصول در طی همان اصول اولیه همگانی است ولی مختص به هریک از این اقشار است. در ذیل سه دسته را خواهید دید:

۱- با همه دوست و مهربان باش... زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش. (تحج البلاغة / ترجمه دشتی؛ ص ۵۶۷)»

- قشر پائین: (الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ) دولت و وظیفه سامان بخشیدن و کمک به قشر پائین جامعه (یعنی نیازمندان و مستمندان) را دارد (عهد نامه مالک).
- کارگزاران و کارمندان در این نامه از این دسته به سه عنوان یاد شده است: الف: قضات دادگستر (قُضَاةُ الْعَدْلِ). ب: کارگزاران عدل و نظم اجتماعی (جُنُودُ اللَّهِ) (عُمَالُ الْأَنْصَافِ وَالرَّقِّقِ) ج: نویسندگان (كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ)
- تجار و تولیدکنندگان: (التُّجَّارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ) تجار و صنعتگران به عنوان موتور محرک اقتصادی شناخته می شوند اما این موتور محرک نیاز به پشتیبانی و حمایت‌هایی دارد که دولت باید آن را انجام دهد. این دسته را در دو قشر تجار و بازرگانان و نیز صنعتگران در این نامه می‌یابید که ما در این مقاله به صورت عمومی تجار و تولیدگران نام‌گذاری کردیم. این مقاله به اصول مربوط به این قشر را بیان و تحلیل می‌کند.

۲- پیشینه

در طبقه بندی‌های وظایف دولت برخی با این مسئله که اهداف و وظایف دولت در اسلام چیست به بررسی این مفهوم به طور کلی پرداخته‌اند و این سؤال را از دید کلان‌نگر پاسخ داده‌اند (عظیمی شوشتری ۱۳۸۸). یوسفی شیخرباط (۱۳۹۴) اما برخی دیگر جزئی‌تر وارد این مسئله شده‌اند وظایف دولت در هر بخش از بخش‌های یک اجتماع را مجزا بررسی کرده‌اند به همین ترتیب عده‌ای از پژوهشگران وظایف دولت اسلامی را در بخش اقتصاد بررسی کرده‌اند و نحوه ورود دولت به این عرصه را مورد تحقیق قرار داده‌اند (مالک ۱۳۸۲) ناصر جهانیان، (۱۳۸۰) (موسویان، ۱۳۸۲) (رفیعی آتانی ۱۳۸۶) اما برخی دیگر به بررسی جزئی‌تر مسئولیت‌های دولت اسلامی در زیربخش‌هایی از اقتصاد و دیگر بخش‌های مختلف پرداخته‌اند (لشکری و همکاران ۱۳۹۰). (جهانیان، ۱۳۸۰). (ندری، ۱۳۸۸)

این مقاله قصد دارد تا براساس نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی (نامه ۵۳) دولت را از حیث وظایف به چهار دسته (که ذیل دو عنوان کلی مطرح شده‌است و شامل: وظایف عام دولت، وظایف اختصاصی قشر تولیدکننده و تجار، وظیفه اختصاصی قشر کارمند و کارگزار و در نهایت وظیفه اختصاصی قشر پائین جامعه می‌گردد) تقسیم کند، چرا که امام علی در این نامه می‌فرماید: «ای مالک بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست» (نهج البلاغه / ترجمه دشتی: ص ۵۷۳) کاملاً مشخص است که اگر اصلاح این قشرها برعهده جناب مالک (به عنوان کارگزار)

نبود، احتیاجی به بیان کردن و شناساندن این گروه ها نیز نمی‌بود. اما آنچه این مقاله به دنبال آن است این است که چارچوب دخالت دولت در اقتصاد با تاکید بر قشر تجار و تولیدکنندگان چگونه باید باشد و نیز در صورت بروز تعارض و تراحم میان اصول استنباط شده، اولویت‌بندی اصول دخالت در اقتصاد چگونه می‌باشد.

۳- اصول برنامه‌ریزی دولت از حیث وظایف:

همانطوریکه گفته شد دولت از حیث وظایف متناسب با هر قشری دو وظیفه دارد. از طرفی هر قشری اصول خاص خود را می‌طلبد که با در نظر گرفتن خاصیت منحصر به فرد آن قشر که موجب تمایز آن نسبت به اقشار دیگر می‌شود و نیز رابطه آن قشر با اقشار دیگر تنظیم می‌شود.^۲ اما از طرف دیگر در این اصول اولیه ثابتی که برای همه قشرها یکسان میباشد نیز جزو وظایف دولت است که رعایت کند. در این قسمت به طور مختصر اصول اولیه همگانی را بیان می‌کنیم و سپس به بیان اصول اختصاصی قشر تجار و صنعتگران می‌پردازیم.

۳-۱- اصول اولیه همگانی:

از آنجایی که گفتیم دولت نسبت به همه آحاد جامعه مسئولیت‌هایی را دارد که باید این مسئولیت‌ها را با اصول خاص مورد تایید نظام اسلام تنظیم و اجرا کند لذا این اصول را نسبت به آحاد جامعه اعم از قشر تولیدکنندگان و تجار تا قشر پائین باید در نظر بگیرد. این اصول اولیه عبارتند از:

➤ رعایت کرامت ذاتی همه انسان‌ها:

کرامت ذاتی به عنوان یکی از نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است شناخته می‌شود و اهمیت این نعمت به قدری است که علاوه بر اینکه همگان (از هر آئینی) از آن برخوردارند، نسبت به حق کرامت انسانی همدیگر نیز مسئولیت دارند و باید رفتارهای متقابل هم این اصل را رعایت کند. (جعفری، ۱۳۹۲)

دولت هم به عنوان نهادی که همواره با همه مردم در ارتباط است و تصمیماتش روی همه مردم اثر می‌گذارد ناگزیر است در همه تصمیمات خود اعم از برنامه ریزی اقتصادی این اصل را در نظر بگیرد.

➤ تعلیم و تربیت صحیح

^۲ - ای مالک بدان! مردم از گروه‌های گوناگون می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست (نح البلاغه / ترجمه دشتی؛ ص ۵۷۳)

دولت موظف است تا سطحی از تعلیم و تربیت را در اختیار همه مردم قرار دهد تا همگان از موهبت سواد برخوردار شوند (خطبه ۳۴ نهج البلاغه) ^۳ در بیان آیت الله جوادی آملی «مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگی به معنای جامع، جهالت زدایی و ضلالت روبی است؛ تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم، کتاب و حکمت جایگزین گردد و با برطرف شدن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح جانشین شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳ تا ۵)

➤ رعایت عدالت اجتماعی:

عدالت اجتماعی در اینجا به این معنی است که برابری در استفاده از مواهب اجتماعی برای هر یک از افراد جامعه در نظر گرفته شود. (نامه ۵۳). از آنجائی که همه در آفرینش یکسان‌اند لذا حق مساوی در دریافت حق خویش دارند و این حق یکی از معیارهای عدالت در نهج البلاغه می‌باشد. (نعمتی، ۱۳۹۴: ۴) بر طبق آیه شریفه ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ...﴾ ^۴ هدف عمومی همه پیام‌آوران و زمامداران حکومت اسلامی در طول تاریخ، همانا قسط و عدل جامعه شمرده شده است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۹ ص ۴۸۷)

۳-۲- اصول اختصاصی تولیدکنندگان و تجار

همانطور که گفته شد برای برنامه‌ریزی اقتصادی علاوه بر رعایت کردن اصول کلی و همگانی باید اصولی نیز مجزا برای برخی قشرهای خاص تنظیم گردد. تنظیم شدن و اجرا شدن این اصول مستلزم شناخت و تفکیک بین این اصول اختصاصی هر قشر باهم و نسبت آن‌ها با یکدیگر می‌باشد. نسبت این اصول با هم عموم و خصوص من وجه‌اند چون ممکن است برخی از قشرپائین جزئی از کارمندان باشند و... اما ما در این مقاله فقط اصول اختصاصی مربوط به قشر تولیدکنندگان و تجار را بیان می‌کنیم چرا که دولت موظف است که در میدان تولید به کار برخیزد و پایه و اساس تولید مطلوب را متکی بر موازینی که اسلام آورده است، بریزد و بر عملی شدن آن نظارت جدی کند (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۶ ص ۲۶۹) بر این اساس رویکرد اصلی این مقاله در این قسمت پاسخ به دو پرسش مهم که یکی مقدمه دیگری است می‌باشد: ۱- چرا باید دولت به امر تولید ورود کند؟ و دو اینکه اصلاً حیطة و نحوه ورود دولت به امر تولید به چه میزان و مقداری است.

الف) ضرورت ورود دولت به امر تولید:

۳- وَ تَعْلِمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا

۴- سوره حدید، آیه ۲۵.

اهمیت تولید در یک کشور بر همگان آشکار است. اما سؤال اینجاست که چرا باید دولت به امر تولید ورود بکند؟ آیا اصلاً ضرورتی دارد که دولت وارد این قضیه شود؟ آیا دخالت دولت در تولید جزء وظایف دولت اسلامی است؟ این سئوالاتی است که در این قسمت به آن پاسخ می‌دهیم.

■ پاسخ اول: امیرالمومنین در مورد فقر می‌فرماید که: «لَوْ مَثَلٌ لِي الْفَقْرُ رَجُلًا لَقَتَلْتَهُ»، با توجه به این که خود امیرالمومنین فقرا را کمک می‌کردند و مورد لطافت قرار می‌دادند بیان این مطلب حاکی از یک مفهوم مهم است و آن این است که امر تولید و اشتغال‌زایی خیلی بهتر است از فقیر پروری (جوادی آملی، ۹۳/۱۲/۲۳). در کنار این با توجه به آیه: «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (۷) سوره فصلت که در مکه نازل شده است و در مکه هنوز قواعد فقهی مشخص نشده است که بگوییم منظور از زکات در اینجا همان زکات مصطلح فقهی است لذا در این جا منظور از زکات پرداختن و فراهم آوردن شرایط کار تولید است. (جوادی آملی، ۹۳/۱۲/۲۳).

■ پاسخ دوم: آنچه از تاریخ فقه‌های شیعه بر می‌آید تاکید بر تولیدات اسلامی و رونق آن بوده است به طوریکه حتی به تاسیس شرکت‌های تولیدی بزرگ و حمایت از برخی شرکت‌های تولیدی مثل شرکت الاسلامیه که آیاتی همچون ملا محمدحسن مامقانی، شرایبانی، آخوند خراسانی، میرزا حسین نوری، میرزا حسین تهرانی، مرحوم سید صاحب عروه و... از آن حمایت کردند.^۵ حتی در نامه مرحوم صاحب عروه به میرزا رحیم ایشان بر اساس قاعده نفی سبیل، در وهله نخست به رونق بخشیدن به کسب و کار و تولیدات داخلی و در وهله بعد به مصرف تولیدات داخلی اشاره می‌کنند. (زنگنه شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۷)

جمع‌بندی: با توجه به تاریخ فقه‌های شیعه و نیز با توجه به آیات و روایات مطروحه در بالا دولت موظف است برنامه‌ریزی کامل و جامعی از بکارانداختن تولید انجام دهد چراکه یکی از اصلی‌ترین و مهمترین وظایف دولت اسلامی برنامه‌ریزی در راستای تولید، تامین سرمایه و مدیریت منابع مالی موجود در فعالیت‌های اقتصادی است. (شجاعی حقیقی، ۱۳۹۴: ۴)

ب) حیطه ورود دولت:

پس از پاسخ به پرسش ابتدائی نوبت به سؤال دوم می‌رسد که حیطه و اصولی که دولت باید در تولید دخالت کند چیست؟ آیا می‌توان اصول معین و مدونی از نحوه ورود دولت به امر تولید داشت؟ در این قسمت به سئوالاتی از این قبیل پلسخ می‌دهیم.

۱- اصل اول: فراهم آوردن شرایط تولید و در اختیار گذاشتن منابع کافی برای تولید:

اگر قبول کنیم که دولت باید در عرصه تولید وارد گردد (چه مستقیماً و چه غیر مستقیم) آماده‌سازی برای تولید یکی از وظایف دولت است که باید انجام دهد. در این باره اندیشمندان مسلمان نکاتی را گفته‌اند که برای نمونه به یک مورد از آنان اشاره می‌کنیم:

۱- ابویوسف که نویسنده اولین کتاب اقتصاد اسلامی با نام "الخراج" است معتقد است اگر گزارشی برسد که انهار خراب شده است و زمین‌های زیادی معطل مانده است، اگر هزینه به صلاح بود باید از بیت المال تامین گردد تا تولید از پا نیفتد. (یوسفی شیخ رباط، ۱۳۹۵: ص ۷۰-۱۰۰)

۲- بر طبق برخی آیات قرآن کریم که صحبت از فراهم شدن امکان توسعه زندگی توسط خداوند روی زمین، (ثقفی تهرانی، جلد ۲: ۴۱۱) از همین رو فراهم آوردن این امکان هم اگر موجب توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی گردد امری پسندیده و مطلوب است. (جوادی آملی ۱۳۹۸/۱۱/۳)

برنامه‌ریزی صحیح و ایجاد زمینه رشد تولید از وظایف حکومت اسلامی است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۴: ۴). در کنار این با توجه به اینکه منابعی که در اختیار داریم محدود و کم می‌باشد لذا یکی دیگر از وظایف دولت تخصیص منابع و رعایت اولویت‌ها در سرمایه‌گذاری است. در نتیجه دولت باید با رویکرد اولویت‌دهی به فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری لازم و زمینه‌سازی مناسب در امر تولید را انجام دهد.

۲- اصل دوم: امر به تهیه و تربیت نیرو

از وظایف دیگر دولت رهایی افراد از جهل و نادانی و پرورش نیروهای متعهد و متخصص می‌باشد (بعد اقتصادی حیات معقول در آیات و روایات دکتر محمد جمال خلیلیان اشکذری). این وظیفه خطیر به

آموزش به عنوان موتور محرک اقتصاد نگاه می‌کند بطوریکه سی (Cee, 2010, p. 7) معتقد است که آموزش مردم سبب رونق و رشد اقتصاد می‌گردد

امام علی در یکی از نامه‌های خود دوسفارش در مورد آموزش و تربیت می‌کنند که به ظاهر سفارش اول در مورد آموزش همگانی است چرا که می‌فرمایند: «...و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید»، (نهج البلاغه / ترجمه دشتی: ص ۸۷) و بعد از این سفارش می‌فرمایند که: و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید (نهج البلاغه / ترجمه دشتی: ص ۸۹) مشخص است که عبارت اول همان خروج از بی‌سوادی است و عبارت دوم منتهی به تربیت تخصصی در جهت کشف استعداد و تقویت استعدادها می‌باشد.

۳- اصل سوم: تعدیل درآمدها با استفاده از مالیات و زکات و خراج:

برخی امور وجود دارند که از سویی مردم برای ادامه حیات خود به آنها نیاز دارند درحالی که کسی یا گروهی عهده دار آن نمی‌شود، علاوه بر این رفع فقر نسبی و افزایش درآمد افرادی که اشتغال به کار دارند ولی درآمد آنان همه نیازمندی‌های آنان را کفاف نمی‌نماید اینان نیز همه از مسؤولیت‌های دولت اسلامی است. دولت وظیفه دارد که به طور فقر را در سطح جامعه ریشه کن و زمینه توازن معقول درآمدها را به وجود آورد. یکی از عوامل مهم انجام چنین مسؤولیتی تأمین‌های اجتماعی است. بنابراین یکی از وظایف اقتصادی دولت فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی این تأمین‌هاست.

تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک سو، و نقش رو به افزایش دولت‌ها در جهت افزایش کمی و کیفی خدمات عمومی، تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است. (آقائظری، ۱۳۸۹: ۵) مالیات به عنوان وسیله‌ای که دو وظیفه عمده دارد مورد توجه است: اولین وظیفه آن تأمین درآمد‌های دولت است لذا باید متناسب تأمین کالاها و خدمات عمومی گردد. از همین روست که مرحوم کاشف الغطاء به فتحعلی شاه اجازه اخذ مالیات می‌دهد (صالحی نجف آبادی، ۱۳۹۳: ص ۲۹۶ به نقل از (کشف الغطاء) ۳۹۴)۶

۶- اجازه می‌دهم که آنچه برای هزینه جنگ و سرکوبی اهل کفر و طغیان، نیاز دارد، از خراج و درآمد زمینهای مفتوح العنوة و نظیر آن و نیز از زکات طلا و نقره و جو و گندم و خرما و کشمش و شتر و گاو و گوسفند بگیرد. و اگر اینها خرج جنگ را تأمین نکرد و راه دیگری برای تأمین هزینه جنگ و دفع شرّ این دشمنان شقاوتمند وجود ندارد، مجاز است از اموال مردم سرحدات و مرزنشینان بگیرد، تا از جان و ناموس آنان دفاع کند. و اگر باز هم خرج جنگ تأمین نشد، از اموال مردم دیگر، که از مرز دورند، به اندازه هزینه جنگ بگیرد

اخذ مالیات که از وظایف دولت اسلامی است نیز آدابی دارد که باید رعایت گردد. این آداب نیز در نصوص اسلامی آمده است و دارای اهمیت بالایی است چراکه بر طبق نصوص نحوه اخذ مالیات بر افزایش سرمایه اجتماعی دولت اسلامی و نیز بر افزایش میزان مالیات اثر گذار است.

الف) رعایت انصاف و توجه به خواسته‌های مالیات دهندگان:

امام علی (ع) در مورد رعایت انصاف در برخورد با مالیات دهندگان (بدون توجه به میزان مالیات آنان) می‌فرماید: «پس خود، داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو مگذارید و برای برآوردن نیازهایشان، حوصله به خرج دهید. شما خازنان رعیت و وکیلان امت و سفیران امامان هستید. کسی را که نیازی دارد، در برآوردن آن درنگ نکنید، آن‌سان که به خشم آید و او را از مطلوبش باز ندارید» (نهج البلاغه، نامه ۵۱). پس باید به خواست مالیات دهندگان نیز توجه شود و آن را در صورت توان برآورده ساخت. این عمل علاوه بر این که جایگاه حاکم را در قلوب مالیات دهندگان بهبود می‌بخشد موجب می‌شود میزان مالیات هم افزایش یابد چراکه طبق بیان مولا علی (ع) به مالک اشتر اگر مردم ثمرات مالیات را ببینند در دادن آن ترغیب می‌شوند.

ب) تأمین رضایت و اعتماد با تخفیف مالیاتی:

دولت وظیفه دارد نسب به مردم با اکرام مواجه شود. اگر به دلیلی کسانی از دادن میزان مالیات مشخص شده بر نیایند و دارای دلیلی موجه باشند، دولت باید به آن‌ها تخفیف بدهد. اما اگر بتوانند مالیات مقرر را پردازند ولی در زندگانی روزمره به مشقت بیافتند در این جا هم دولت باید علاوه بر برطرف کردن مشقت‌هایشان به آنها تخفیف مالیاتی بدهد. «هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین _ چون در آب فرو رفتن آن یا بی‌آبی _ نزد تو شکایت آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، آن قدر که امید می‌داری کارشان را سامان دهد. (نهج البلاغه، نامه ۵۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۴- اصل چهارم: نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار

امروزه نظارت بر عملکرد زیرمجموعه‌ها، یکی از اصول مدیریتی به‌ویژه در زمینه اقتصادی به شمار می‌رود. از جمله روش‌های امام علی (ع) در راستای نظارت بر بازار و حتی کارگزاران خویش، ترسیم خطوط کلی اخلاقی و رفتاری در حیطه اقتصادی برای کارگزاران خویش بوده است که در انجام وظایف خود از چارچوب کلی حکومت علوی منحرف نشوند. (شجاعی حقیقی، ۱۳۹۴: ص ۷)

در مورد احتکار امام علی (ع) عملاً وقوع احتکار را عیب والی می‌داند که نظارت مناسبی نداشته است: «به کار آنان بنگر، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و یا در شهرهای دیگر. و با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند، و این سود جویی و گرانفروشی زبانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس بایدت از احتکار منع نمود که رسول خدا (ص) از آن منع فرمود. و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار. و آن که پس از منع تو دست به احتکار زند او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان، و در کیفر او اسراف مکن.» (نهج البلاغه / ترجمه شهیدی، ص: ۳۳۵)

۵- اصل پنجم: اهمیت دادن به کار دیگران:

اهمیت گذاشتن به کار دیگران موجب ترغیب آنان بر آن کار می‌شود. در قرآن کریم هم از عبارت *إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا* که معنایش این است که پدر ما تو را می‌خواند تا به تو جزای آب دادنت به گوسفندان ما را بدهد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۱۶ ص ۳۵) اشاره به موضوع اهمیت دادن به کار دیگران دارد. دولت نیز موظف است به کار تولیدکنندگان دولتی و کارگزاران و کارمندان خویش اهمیت بدهد و طبق بیان مولای متقیان: «سپس کوشش هر یک از آنان را به دقت بشناس، و زحمت کسی را به دیگری نسبت مده، و در اجر و مزدش به اندازه رنجی که برده کوتاهی مکن» (نامه ۵۳)

۶- اصل ششم: بازرسی مداوم

امام علی در پایان سفارشات خویش در مورد کار کارگزاران دولتی می‌فرماید: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود.» (نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: ۵۷۹)

۷- اصل هفتم: برخورد عاطفی کردن:

عدم سخت بودن کار به این معنی که کار از توانایی شخصی که بر عهده اوست خارج باشد نیز از مهمترین اصول این بخش است. در آیه *(وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ)* یعنی این که نه اصل کار شاق است نه ما کارفرمای سختگیری هستیم، هیچ کدام و برخورد ما هم برخورد صالحانه است. (جوادی آملی، ۹۱/۰۷/۱۲،

۸- اصل هشتم: دادن حقوق کافی

حقوق یک کار باید به اندازه زحمتی که آنان می کشند باشد تا از فرارکردن و بی رغبتی نشان دادن نسبت به آن کار به دور باشیم و در کنار این حجت اینکه حق الزحمه آنان را نداده باشیم و دست به خیانت بزنند را برداشته ایم. در همین باره امام می فرمایند: «سپس جیره آنان را فراوان ده، زیرا این برنامه برای آنان در اصلاح وجودشان قوت است، و از خیانت در آنچه زیر دست آنان می باشد بی نیاز کننده است، و اگر از فرمانت سر برتابند و یا در امانت خیانت کنند بر آنان حجّت است» (نهج البلاغه / ترجمه انصاریان ص: ۲۹۷ و ۲۹۶)

۴- تراحم و تداخل مسئولیت ها:

اکنون که اصول و راه های دخالت دولت در اقتصاد را در نظام اقتصادی اسلام استنباط نمودیم لازم است تا به یک سؤال مهم نیز پاسخ دهیم: اگر چند اصل از اصول فوق باهم تراحم پیدا کرد، کدام یک بر دیگری ارجحیت و اولویت دارد؟ برای مثال اگر بین برخورد عاطفی دولت و بازرسی مداوم تراحم بوجود بیاید دولت چگونه باید رفتار کند؟

۴-۱- تراحم:

تراحم، در اصطلاح عبارت است از تنافی دو حکم دارای ملاک در مقام امتثال، به سبب آن که مکلف، به انجام هر دو در یک زمان قادر نمی باشد. (صدر، ۱۳۷۵: ج ۷، ص ۲۶) در این جا بنا به تقسیم انواع تراحم متوجه می شویم تراحم امتثالی^۲ رخ داده است یعنی دولت اسلامی در یک زمان قادر نیست دو تکلیف از تکالیف فوق را انجام دهد و فقط می تواند یک تکلیف را انجام دهد. با توجه به تعریف فوق مکلف، دولت است و اگر تراحمی در هریک از این اصول باهم پیش بیاید چگونه باید این تراحم برطرف شود؟ در اینجا ابتدا تراحم پیش آمده برای مکلف را در نظر می گیریم سپس به حکومت می پردازیم:

۴-۲- رفع تراحم

هرگاه دو حکم شرعی الزامی متوجه مکلفی شود و او توان امتثال هر دو را با هم نداشته باشد مسئله از دو حال خارج نیست:

^۲ - تراحم امتثالی، مقابل تراحم ملاکی و تراحم حفظی، و به معنای تنافی میان دو یا چند حکم فعلی در مقام امتثال است؛ یعنی علت تنافی و تراحم، عجز و ناتوان مکلف از انجام متعلق آن احکام در یک زمان است؛ پس تراحم امتثالی در جایی است که مکلف در یک زمان با دو تکلیف فعلی رو به رو شود و نتواند آن دو را امتثال کند، مثل: وجوب نجات دادن دو نفر که در یک زمان در حال غرق شدن هستند، در حالی که مکلف فقط توانایی نجات یکی از آن دو را دارد. (صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۰۳)

۱. یا هر دو حکم از هر نظر متعادل بوده و هیچ برتری و امتیازی بر یک دیگر ندارند (تعادل متزاحمین) که فرد مخیر است به انتخاب یکی از حکم ها.

۲. یا یکی از دو حکم بر دیگری برتری دارد (تراجیح متزاحمین). در اینجا باید حکم اهم را انجام دهد. (جمعی از پژوهشگران مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۳۱۰)

این در مواردی که فرد دچار تراحم شود در مورد اجتماع و حکومت اسلامی هم تراحم های ممکن است پدید بیاید چون جهان طبیعت محکوم تراحم است در این صورت قاعده این است که تشخیص تراحم و تشخیص اهم و مهم یا ضروری و غیرضروری باید به دست ولی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱) اگر بگوییم در جایی که جنبه اجتماعی کلان وجود دارد هر کسی می تواند تراحمات را تشخیص دهد، این درست نیست و این یکی از جاهایی است که جنبه ولایی دارد و تشخیص آن باید دست شخص معینی باشد و الا اختلال نظام به وجود می آید که خود یک قاعده است و لذا در تراحمات تکالیف اجتماعی و سیاسی و کلان، این به عهده اشخاص به طور مجزا قرار نگرفته است چون این موجب اختلال نظام می شود، بلکه به دست ولی و حاکم سپرده می شود و محوریتی می خواهد که همان محوریت ولایت است و یکی از ابعاد ولایت فقیه و ... همین بحث اهم و مهم است. (استاد علیرضا اعرافی ۹۰/۱۲/۰۲) مطلب دیگری که در ذیل این بحث ها باید به آن توجه کرد و فراتر از قانون اهم و مهم است، رعایت مصالح است. ممکن است واقعاً تراحم به آن معنا پیدا نشده است ولی حاکم مصالحی را می بیند که بر اساس آن می گوید مناسب نیست الان چنین اقدامی انجام دهیم ولو تراحم هم نیست. این هم یک محدوده است که مبتنی بر بحث ولایت مطلقه است. (استاد علیرضا اعرافی ۹۰/۱۲/۰۲)

۵- جمع بندی:

این مقاله ضمن بیان تقسیم بندی اقشار مردم در عهدنامه مالک اشتر به بررسی و بیان روش دخالت دولت در امر تولید و اصول حاکم بر رفتار دولت با قشر تولید کننده و تاجر پرداخت. اساساً آنچه مشخص است این است که پرداختن به همچنین موضوعی علاوه بر بررسی دقیق، منبعی دقیق از منابع روایی می خواهد که از این رو کتاب نهج البلاغه به عنوان منبع اصلی گرفته شد. این مقاله سپس با مشخص کردن سه اصل همگانی در منش دولت در برخورد با همه اقشار مردم، در ادامه به بیان هشت اصل اختصاصی برخورد دولت با قشر تجار و صنعتگران پرداخت که به طور خلاصه در زیر بدان اشاره شده است.

استخراج این اصول گرچه به خودی خود دارای اهمیت بسزایی است اما مهمتر از آن فهم این نکته است که جهان طبیعت محکوم به تراحم است فلذا باید دید که در صورت بروز تداخل و تراحم بین اصول فوق الذکر، منش دولت چگونه باید باشد. برای مثال اگر بین برخورد عاطفی کردن و بازرسی مداوم تداخلی بوجود بیاید بر چه اساسی منش دولت باید تعیین گردد؟ پاسخ به این مسئله برگرفته از دروس فقها و برخی کتب فقهی که به علت قلت محتوا به دروس برخی علمای حاضر (که در دوران حکومت اسلامی هستند و این مسئله را درک نموده اند) محدود شده است، پرداخت. و نهایتاً اهم و مهم حاکم اسلامی را راهی برای حل تراحم بین این اصول دانستیم.

جدول شماره (۱) - خلاصه اصول منشی کارگزاران دولت اسلامی در مواجهه با قشر تولید کننده و تجار

رعایت کرامت ذاتی همه انسان ها	اصول همگانی	منش کارگزاران دولت اسلامی در مواجهه با قشر تولید کنندگان و تجار برگرفته از آیات و روایات
تعلیم و تربیت صحیح		
رعایت عدالت اجتماعی		
اصل اول: فراهم آوردن شرایط تولید و در اختیار گذاشتن منابع کافی برای تولید	اصول اختصاصی تولید کنندگان و تجار	
اصل دوم: امر به تهیه و تربیت نیرو		
اصل سوم: تعدیل درآمدها با استفاده از مالیات و زکات و خراج		
اصل چهارم: نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار		
اصل پنجم: اهمیت دادن به کار دیگران		
اصل ششم: بازرسی مداوم		
اصل هفتم: برخورد عاطفی کردن		
اصل هشتم: دادن حقوق کافی		

منابع

-قرآن کریم

-نهج البلاغه

- انصاریان، حسین؛ مترجم (۱۳۸۸)، **ترجمه نهج البلاغه**، قم: دارالعرفان .

-ارسنجانی، حسن (۱۳۴۲)، **حاکمیت دولت ها**، چاپ اول سازمان کتاب های جیبی ۱۳۴۲ ص ۶۷-۶۸ .

-آقائظری، حسن (۱۳۸۹)، «ناهنجاری فرهنگی - اقتصادی درآمد مالیاتی کشور و راه حل ها با رویکرد آموزه های اسلامی»، **معرفت اقتصاد اسلامی**، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۹۵ - ۱۰۸ .

-آقا نظری، حسن (۱۳۷۲)، «درآمدی بر بخش عمومی در اقتصاد اسلامی»، **معرفت**، بهار ۱۳۷۲ - شماره ۴ ISC (۷ صفحه - از ۴۵ تا ۵۱).

-اعرافی، علیرضا (۹۰/۱۲/۰۲)، **درس خارج فقه**.

-ثقفی تهرانی، شیخ محمد (۱۳۵۸)، **تفسیر روان جاوید**، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۵۸.

-جعفری، محمد تقی (۱۳۹۲) (سخنران)، «آزادی بیان و کرامت انسانی»، **آزما**، آذر ۱۳۹۲ - شماره ۹۹ (۲ صفحه - از ۲۶ تا ۲۷).

-جهانیان، ناصر (۱۳۸۰)، « نقش دولت در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، **اقتصاد اسلامی**، پاییز ۱۳۸۰ - شماره ۳ صفحه - از ۵۵ تا ۷۴).

-جهانیان، ناصر (۱۳۸۰)، «جایگاه دولت در اقتصاد اسلام» **اقتصاد اسلامی**، دوره ۱، شماره زمستان ۱۳۸۰ صفحه ۱۲۹-۱۵۸.

-جهانیان، ناصر (۱۳۸۲)، «جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی»، **اقتصاد اسلامی**، سال سوم ۱۳۸۲ شماره ۱۰ .

-جهانیان، ناصر (۱۳۸۸)، «پیشرفت عادلانه و وظایف دولت دینی»، **اقتصاد اسلامی**، سال نهم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۳۵.

-جمعی از پژوهشگران مرکز اطلاعات و منابع اسلامی (۱۳۸۹)، **فرهنگ نامه اصول فقه**، ج ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

– جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی»، **مجله الکترونیکی اسراء**، ۱۳۸۷ شماره ۲.

– جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶)، **حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه**، قم: مرکز نشر اسراء.

– جوادی آملی، عبدالله (۹۳/۱۲/۲۳)، **درس تفسیر**.

– جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸/۱۱/۳)، **درس اخلاق**.

– جوادی آملی، عبدالله، (۹۱/۰۷/۱۲)، **درس تفسیر سوره مبارکه قصص جلسه ۱۰**.

– حکیمی، محمدرضا، علی و محمد؛ مترجم: آرام، احمد (۱۳۸۰)، **ترجمه فارسی الحیات**، ج اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۰.

– خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۴)، «بعد اقتصادی حیات معقول در آیات و روایات»؛ **معرفت**، اردیبهشت ۱۳۸۴ – شماره ۸۸۹ (ISC صفحه – از ۱۰ تا ۱۷).

– دادگر، یدالله (۱۳۸۰)، «مروری بر ادبیات جایگاه دولت در اقتصاد» **فرهنگ اندیشه** سال اول تابستان ۱۳۸۰ شماره ۲.

– دشتی، محمد، مترجم (۱۳۷۹)، **ترجمه نهج البلاغه**، قم: مشهور.

– زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۱)، «قاعده «نفی سبیل» در آرای فقهی و مواضع سیاسی صاحب عروه» **فقه**، مقاله ۶، دوره ۱۹، شماره ۷۳، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۱۴۸-۱۹۴.

– رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۸۶)، «جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلام (دولت مصالح)» **اقتصاد اسلامی**، سال هفتم زمستان ۱۳۸۶ شماره ۲۸.

– شجاعی حقیقی، مریم؛ مردانی (گلستانی)، مهدی (۱۳۹۴)، «مولفه های مدیریت اقتصادی امام علی علیه السلام با تاکید بر نهج البلاغه»، **حدیث حوزه**، بهار و تابستان ۱۳۹۴ – شماره ۱۰ (۲۸ صفحه – از ۴۸ تا ۷۵).

– صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۹۳)، **ولایت فقیه، حکومت صالحان**، تهران: امید فردا.

– صدر، محمد باقر، تقریر: هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۷۵)، **بحوث فی علم الاصول**، قم: دائره معارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت عليهم السلام، مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه.

- صدیق سروسستانی، رحمت اله؛ سلامی، غلام حیدر (۱۳۸۴)، «بازگشت به دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی» نامه علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۴، دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۲۵) از صفحه ۱۴۱ تا صفحه ۱۶۵.
- طباطبایی، محمدحسین (نویسنده)، موسوی، محمدباقر (مترجم) (۱۳۷۸)، **المیزان فی التفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عظیمی شوشتری، عباس علی (۱۳۸۸)، «اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام»، **معرفت سیاسی**، بهار و تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۱ (30 ISC) صفحه - از ۹۹ تا ۱۲۸.
- فاطمی ابهری، مرضیه (۱۳۸۲)، «بررسی انواع دولت ها و نقش آنها در توسعه» **نمایه پژوهش**، بهار و تابستان ۱۳۸۲ - شماره ۲۶ - ۲۵ (۴۲ صفحه - از ۲۸۳ تا ۳۲۴).
- قحف، منذر (۱۳۸۴) «دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی» مترجم میرمعزی حسین، **اقتصاد اسلامی**، سال پنجم ۱۳۸۴ شماره ۱۸.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، ج ۹، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
- لاژوژی، ژوزف، **نظام های اقتصادی**، ج ۱، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، دانشگاه تهران.
- لشکری، محمد؛ بافنده ایمان دوست، صادق (۱۳۹۰)، «نقش دولت اسلامی در توسعه اقتصادی»، **مطالعات اقتصاد اسلامی**، سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۰ شماره ۲.
- مالک، محمد رضا (۱۳۸۲)، «وظایف و مسؤولیت های دولت اسلامی در اقتصاد»، **اقتصاد اسلامی**، زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۱۲ (32 ISC) صفحه - از ۳۷ تا ۶۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، **نظریه سیاسی اسلام**، ج ۱، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۲)، «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، **اقتصاد اسلامی**، سال سوم ۱۳۸۲ شماره ۱۰.
- ندری، کامران؛ قلیچ، وهاب (۱۳۸۸)، «نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد» **اقتصاد اسلامی**، سال نهم پاییز ۱۳۸۸ شماره ۳۵.

-نعمتی، محمد؛ جهانبین، فرزاد(۱۳۹۴)، «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم- شماره ۱۰-تابستان ۱۳۹۴.

-نمازی، حسین(۱۳۷۴)، **نظام‌های اقتصادی**، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴.

-یوسفی شیخ رباط، محمدرضا(۱۳۹۵)، **سیر اندیشه اقتصادی متفکران مسلمان**، تهران: سازمان سمت، ۱۳۹۵.

-یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه(۱۳۹۴)، «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی» **اقتصاد اسلامی**، سال پانزدهم بهار ۱۳۹۴ شماره ۵۷.

cee. (2010). Voluntary National Content Standards in Economics, New York, Council for Economic Education. National Council on Economic Education(1997), Voluntary National Content Standards in Economics. New York: National Council on Economic Education.